

وقتی تاج الملوک به ملاقات هیتلر می رود + عکس

۳ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۲۰:۲۹

تاج الملوک(همسر رضا شاه) سخنی علیه رضاشاه و پسرش محمد رضا نگفته، اما در مرور خاطرات خود، گاه با صراحتی توأم با صداقت نکاتی را بر زبان آورده است که نباید باب طبع اهل پهلوی اول و دوم باشد. یک عده جوانان تهران هم به سبک جوانان هیتلری سرخود را می تراشیدند و در خیابان‌ها به هم سلام هیتلری می دادند! موقعی که ما به ملاقات هیتلر رفتیم آقای محتشم السلطنه اسفندیاری هم حضور داشت.



در قسمت پایین عکس به زبان آلمانی نوشته است:

اعلیحضرت همایونی - رضاشاه پهلوی - شاهنشاه ایران - با بهترین آرزوها - برلین ۱۲ مارس ۱۹۳۶ - امضای آدولف هیتلر

تاج الملوک(همسر رضا شاه) سخنی علیه رضاشاه و پسرش محمد رضا نگفته، اما در مرور خاطرات خود، گاه با صراحتی توأم با صداقت نکاتی را بر زبان آورده است که نباید باب طبع اهل پهلوی اول و دوم باشد. یک عده جوانان تهران هم به سبک جوانان هیتلری سرخود را می‌تراشیدند و در خیابان‌ها به هم سلام هیتلری می‌دادند! موقعی که ما به ملاقات هیتلر رفتیم آقای محتشم السلطنه اسفندیاری هم حضور داشت. هیتلر با من و اشرف و شمس دست داد و از من حال و احوال رضا را پرسید. از طرف سفارت ایران یک مرد جوان به عنوان دیپلماس حضور داشت که مطالب هیتلر را برای ما و حرف‌های ما را برای هیتلر ترجمه می‌کرد. اگر اشتباه نکنم این مرد جوان جمالزاده پسر سید جمال واعظ اصفهانی بود که بعدها نویسنده معروفی شد. ما برای هیتلر چند هدیه برده بودیم که عبارت بود از دو قطعه قالی نفیس ایرانی و مقداری پسته رفسنجان حاج محتشم السلطنه اسفندیاری قالی‌ها را در جلوی پای هیتلر باز کرد و شروع به توضیح کرد. هیتلر خیلی از نقش قالی‌ها و بافت و رنگ آنها خوشش آمد. روی یک قالی که در تبریز بافته شده بود عکس خود هیتلر بود. روی قالی دیگر هم علامت آلمان را که عبارت از صلیب شکسته بود نقش کرده بودند. از مطالب هیتلر دستگیرمان شد که باورش نمی‌شود این تصاویر ظریف را با دست بافته باشند. هیتلر هم متقابلاً سه قطعه عکس خود را امضاء کرد و به من و دخترانم داد. دیپلماس سفارت گفت: "آقای هیتلر می‌گویند متأسفانه پیشوای آلمان مثل شاه ایران ثروتمند نیست و نمی‌تواند متقابلاً هدیه گرانبه‌ای به ما بدهد و از این بابت معذرت می‌خواهند!" من این ملاقات را هیچوقت فراموش نکردم و به درخواست رضا ده‌ها بار ریزمطالب آنرا برایش تعریف کردم. هیتلر موقع حرف زدن آرام نمی‌گرفت، یا دور خودش می‌پیچید و یا به این طرف و آن طرف اطاق می‌رفت و حرف می‌زد. در موقع حرف زدن هم مرتباً پلک چشمانش را بهم می‌زد و دندانهایش را روی هم فشار می‌داد. دستهایش را پشت کمر می‌برد و ناگهان جلومی آورد و ناگهان بالا می‌برد و در هوا تکان می‌داد. در عین حال روی پنجه‌های پا هم بلند می‌شد. درست مثل این بود که زیرپایش آتش روشن است و نمی‌تواند آرام بگیرد. موقع حرف زدن هم با آنکه ما در نزدیکی بودیم با صدای بلند صحبت می‌کرد. از رضا خیلی تعریف کرد و گفت زندگی او را می‌داند و از اینکه یک نظامی قدرت را در ایران به دست دارد خوشحال است. رضا از این قسمت خیلی خوشش می‌آمد و من هر وقت به این قسمت از ملاقات خودم با هیتلر می‌رسیدم باید آنرا چند بار تکرار می‌کردم.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۰۴۰/عکس-رود-می-هیتلر-ملاقات-الملوک-تاج-وقتی>